

## عنوان مقاله:

نگاهی به درون مایه های همسان در: حماسه گیل گمش، سرود مروارید و متن های مانوی

## محل انتشار:

دوفصلنامه ادبیات تطبیقی، دوره 15، شماره 29 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 48

## نویسنده:

حمیدرضا اردستانی - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دزفول، دانشگاه آزاد اسلامی، دزفول، ایران

## خلاصه مقاله:

حماسه گیل گمش و سرود مروارید دو میراث بزرگ بشری هستند که اثر نخستین در ۲۱۰۰ پیش از میلاد مسیح و دومین اثر در نیمه دوم سده نخست میلادی (میان ۵۰ تا ۷۰) به نگارش درآمده است. به نظر می رسد این دو اثر که یکی قالبی حماسی و دیگر عرفانی دارد و ظاهراً متفاوت می نمایند، از درون مایه هایی همسان بهره مندند و هر دو در شکل دهی اندیشه ها و باورهای مانی و مانویان تأثیرگذار بوده است؛ به این معنا که مادری تأثیرگذار (مادر حیات)، شاهزاده ای به فراموشی گرفتار آمده، وجود همزادی چون نرجمیگ، قهرمانی مانند هرمزدیغ که به سرزمین تاریکی می تازد، وجود شیرچهر اژدهایی اهریمنی، لباس رزم برکندن و تاج بر سر نهادن پس از رهایی از تن و جهان، وجود مادینه ای گمراه کننده و همین طور پدر و دختری اهریمنی (اشقلون و مردیانگ) که در پی گمراه ساختن سرنمون انسان ها هستند، وجود کشتی رانی رستگارکننده و آگاهی بخشی دلسوز (عیسای درخشان)، انسان ایزدی خورشیدگونه (مانی) و مقوله آزار نرساندن به حیوانات در مانویت، همگی مقوله هایی است که در حماسه گیل گمش و سرود مروارید یافت می شود. نتایج پژوهش نشان می دهد که مانی و مانویان از این دو اثر که یکی به میان رودان تعلق دارد و در پیوند با نژاد سامی و دیگر به فرهنگ پارتی اشکانی متعلق است، تأثیر پذیرفته اند و در این همسانی و الگوپذیری، می توانیم آمیزش و تعامل فرهنگ ایرانی را با دیگر فرهنگ ها و باورها ببینیم.

## کلمات کلیدی:

گیل گمش، سرود مروارید، مانی، مانویت

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1941604>

